



گزارش اولین گردهمایی راویان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

احسان حسینی نسب

به‌عنوان ابتکاری در سطح ملی است. با پیروزی انقلاب در ایران، سپاه، جهاد سازندگی و ... تأسیس شد و تأسیس این نهادها جزو ابتکارات خارق‌العاده‌ی حضرت امام خمینی بود و همه‌ی این ابتکارها در پیش‌برد و حفظ انقلاب مؤثر بود؛ به طبع مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ نیز دارای چنین نقشی است.

ابتکار راویان در کنار حضور فرماندهان ابتکاری در سطح ملی با آثار تاریخی است. پیشینه‌ی تاریخی ایران فاقد چنین الگویی

است، الگویی که در زمینه‌های دفاعی و جنگی و حتی صلح در کشور ما تا پیش از دفاع مقدس وجود نداشت.

مسئله‌ی دوم، اهمیت مرکز است. به رغم اهمیتی که برای مرکز مطالعات قائل هستیم، این مرکز در کشور شناخته شده نیست. جالب توجه این‌که این مرکز در سپاه پاسداران و ستاد کل نیروهای مسلح هم ناشناخته است. ناشناخته‌تر از مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، راوی‌گری است. امروز راوی‌گری را با معیار راویان آموزش دیده‌ی که برای روایت‌گری در مناطق جنگی حضور دارند و مردم را با عملیات‌ها آشنا می‌کنند می‌شناسند. در واقع راوی‌گری هیچ مورد توجه قرار نگرفته است. خود راوی‌گری نیز در مرکز مطالعات مغفول مانده است؛ به این معنی که ما اثر مکتوبی درباره‌ی این پدیده، شکل‌گیری، آثار، نتایج و ... [آن] در خود این مرکز نداریم.



دربابان علی شمشانی (رئیس مرکز راهبردی ستاد فرماندهی کل قوا)؛ تهران؛ ۱۳۹۱/۳/۹

باید از قدرت نرم راویان برای مقابله با جنگ نرم استفاده کرد

همایش راویان هشت سال دفاع مقدس با حضور ابراهیم محمدزاده، محمد درودیان، دریادار شمشانی و تعدادی از راویان دفاع مقدس در ۸ خرداد ۱۳۹۱ در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ برگزار شد. در آغاز این همایش، دکتر حسین اردستانی، مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس گزارشی درباره‌ی چگونگی برگزاری گردهمایی راویان دفاع مقدس، اهداف آن و ... ارائه داد. وی گفت:

اهداف برگزاری

«اهداف برگزاری همایش راویان هشت سال دفاع مقدس در پنج محور تعریف شده است: اولین هدف از برگزاری این همایش، بزرگداشت سالگرد سالانه تأسیس بخش جنگ و فعالیت تاریخ‌نگاری راویان



ابراهیم حاج محمدزاده (مسئول سابق مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و معاون سیاسی فرماندهی کل سپاه؛ تهران، ۱۳۹۱/۳/۹)

خاطرات راویان شیرین است

مسئله‌ی سوم، خاطرات خود راویان است. شاید خاطرات راویان به اندازه‌ی خاطرات فرماندهان، ناب و منحصر به فرد باشد. خاطرات راویان، خاطراتی بکر و شیرین است که حتماً باید ثبت و ضبط شود. هدف دیگری که در این مسئله باید به آن توجه کرد، تجدید دیدار راویان با یکدیگر است. باید برنامه‌یی در نظر گرفت که راویان هر ساله بتوانند با یکدیگر دیدار داشته باشند؛

مبارزه برای ما یک اصل بود

«ما در نسل اولی که در مرکز مطالعات حضور داشتیم، به دلیل این که سن مان از بقیه بیش تر بود، شمه‌هایی از جنگ ویتنام، کوبا و کره را بررسی کرده بودیم و از جنگ‌های صورت گرفته در سده‌ی اخیر آگاهی‌هایی داشتیم. برای ما انقلاب به معنای یک مبارزه‌ی دائمی بود و برای ما فعلیت داشت و در عین حال، مبارزه به عنوان یک علم مطرح شده بود. با تشکیل سپاه در راستای آگاهی از انقلاب و مسائل مرتبط با آن از جمله برخورد با جریان‌های مختلف با محوریت دیدگاه حضرت امام، دفتر سیاسی را در سپاه تشکیل دادیم و به مجرد آغاز جنگ تحمیلی، متوجه شدم که باید قدر این جنگ را بدانیم. در زمان جنگ به دفتر آقای رضایی مراجعه کردم و به او گفتم که می‌خواهم وقایع جنگ را جمع‌آوری کنم و تحلیل من هم برای این کار، این است که این جنگ ویژگی‌هایی دارد که باید آن را مانند جنگ‌های صدر اسلام ثبت کنیم.

شاید بتواند مرکز از توان راویان برای ثبت و ضبط خاطرات استفاده کند.

هدف دیگری که برای این نشست قائل شده‌ایم این است که مسائل مربوط به راویان را در این نشست مطرح کنیم و از نویسندگان راوی دفاع مقدس تقدیر و تشکر کنیم. همه ساله آثاری از راویان و افراد غیر راوی در مرکز به انتشار رسیده و در جامعه توزیع می‌شود. تصمیم گرفته‌ایم هر ساله در جلسسه‌یی که با راویان خواهیم داشت، از افرادی که در حوزه‌ی دفاع مقدس در مرکز مطالعات کتابی را به انتشار می‌رسانند، تقدیر کرده و حتی از افرادی که در مرکز حضور دارند، اما کتابی را با موضوع دفاع مقدس در انتشارات دیگری به چاپ می‌رسانند نیز تقدیر و تشکر کنیم. امسال برای اولین بار این برنامه را اجرا خواهیم کرد.»

پس از دکتر اردستانی، ابراهیم محمدزاده از پیشکسوتان جهاد و شهادت و مؤسس مرکز به سخنرانی پرداخت. وی در این جلسه گفت:

روند تشکیل بخش جنگ و راوی گری

«روند تشکیل و تأسیس بخش جنگ و راوی گری در واقع صحیح است، اما در واقع چیزی که انجام شده تاریخ نگاری جنگ است. بخش جنگ، بخشی ساختاری بود و این کار در ذیل آن ساختار انجام می شد، چنانچه بخش های دیگری هم در ذیل این ساختار وجود داشت، مانند بخش سیاست خارجی، بخش داخلی و ما هیچ وقت خودمان را راوی - با تعریفی که امروزه از راوی وجود دارد -

دکتر اردستانی: حضور راویان در کنار فرماندهان ابتکاری در سطح ملی با آثار تاریخی است. پیشینه تاریخی ایران فاقد چنین الگویی است، الگویی که در زمینه های دفاعی و جنگی و حتی صلح در کشور ما تا پیش از دفاع مقدس وجود نداشت

نمی دانستیم؛ راوی گری، اولین بار در سال ۱۳۶۳ مطرح شد؛ بنده نظرم بیش تر به عنوان "پژوهش گر - محقق" نزدیک بود؛ آقای نحعی پیشنهاد داد بنویسیم "راوی". اما نه فرماندهان ما را به نام راوی می شناختند و نه خودمان احساس یک راوی را داشتیم که می خواهد چیزی را روایت کند. مسئله ای ما در واقع شکل گیری تاریخ نگاری جنگ در سپاه است.

خانواده ای راویانی که

طی سه دهه بر تاریخ نگاری جنگ اهتمام داشتند بین پانصد تا هزار نفر را شامل می شود. نکاتی که عرض می کنم ناظر به مسئله ای این خانواده ای پانصد تا هزار نفری در خصوص تاریخ نگاری جنگ و با نگاه به آینده است. در نظر من سه ملاحظه وجود دارد.

مسائل مرتبط با تاریخ نگاری جنگ

ما به عنوان مرکز اسناد و مطالعات دفاع مقدس با سه مسئله مواجه هستیم: مسئله اول خود تاریخ نگاری

اگر برادر رضایی حضور نداشت، این مرکز هیچ گاه به وجود نمی آمد. ایشان خیلی خشنود شد و در تأسیس این مرکز بسیار هم کاری کرد.

مرکز مطالعات الگو و اسوهی مناسبی است برای کاری ها، تألیفی و مطالعاتی؛ مانند خود جنگ. در جنگ صدها درگیری در خصوص دولت، افراد مختلف و جریان های مختلف وجود داشت.

ارکان انقلاب

انقلاب از دیدگاه امام مقصد دارد. انقلاب سه پایه دارد: اسلام ناب؛ رهبری ولایی و مردم. من معتقد بودم اگر انقلاب همین سه رکن را داشت دیگر نباید با این همه فتنه و چالش مواجه می شد، چرا که در حقانیت اسلام و رهبری ولایی حضرت امام خمینی تردیدی وجود نداشت، مردم هم به فرموده ای حضرت امام از بهترین امت ها از صدر اسلام تا کنون هستند. پس مشکلات و فتنه هایی که به وجود آمده از چیست؟ مسائل و مشکلات از پایه ای چهارم این مسئله است و آن، مسئله ای مسئولین است. بنابراین هشدارهای اصلی امام درباره ای انقلاب همواره در خصوص مسئولین بوده است. همه ای جریان هایی که در ایران اتفاق افتاده به گونه ای در رابطه با عده ای از مسئولین بوده است.

امام همواره به گونه ای عمل کرده که با دیپلماسی های دنیا تطابق نداشته و دشمن برانگیز بوده است. امام در سه جا در صحیفه می گوید: ما مرد جنگیم.»

پس از آقای محمدزاده، یکی از برادران، یکی از سروده های خود را - که با راوی گری مرتبط بود - خواند. سپس محمد درودیان مسئول مرکز در سال ۱۳۶۰ ضمن تشکر از برگزار کنندگان این جلسه، از شهیدان دوران جنگ تحمیلی و راویان مرحوم یاد کرد و گفت:

سپاه بر اساس چه ملاحظات و بر مبنای چه تفکری شکل گرفت؟ پاسخ به این سؤال به گذشته‌ی مرکز مطالعات و شأن تأسیس این مرکز بازمی‌گردد. پرسش دوم این است که مسئله‌ی تاریخ‌نگاری جنگ در سپاه چه مرحله‌ی را در توسعه و نهادینه شدن طی کرده است؟ این بحثی است که می‌تواند در نشست‌های دیگر هم مطرح شود. پرسش سوم نیز این است که بایسته‌های تاریخ‌نگاری جنگ کدام است؟ به نظر این مسئله، مسئله‌ی آینده است؛ چرا که ما روزی با واقعیه‌ی عینی نسبت داشتیم، اما امروز سؤال این است: با این واقعیه‌ی تاریخی چه نسبتی داریم و این واقعه را چگونه می‌خواهیم تحلیل کنیم؟

در خصوص پرسش اول باید گفت دو جنبه وجود دارد: یکی بحث تأسیس و دیگری مسئله توسعه‌ی اولیه. در بحث تأسیس به نظر این مسئله که چه اتفاقاتی افتاد مهم است، اما وجه اصلی، وجه اندیشه‌ی است که در پشت این مسئله وجود دارد. به نظر در تأسیس این دفتر چند مسئله مهم بود: اول این‌که آقای محمدزاده به من گفتند هر چه را که در زمان اعزام به مناطق جنوب دیدی، جزو تاریخ است. نکته‌ی دیگری که ایشان به من گفت این بود که مورخین اسلامی را نام برد و گفت آن‌ها در آن زمان تاریخی را نمی‌نوشتند مگر این‌که خودشان آن را روایت می‌کردند؛ بنابراین در نگارش وقایع دقت کن. نکته‌ی دیگر این است که فضای کلی‌ی که تاریخ‌نگاری جنگ را در آن شروع کردیم؛ فضای نگرانی از تحریف تاریخ در خلال دعواهایی بود که بین بنی‌صدر و ارتش و ... وجود داشت. نکته‌ی چهارم این است که نگاه ما در ابتدا به جنگ، رویکردی سیاسی-اجتماعی داشت. بنابراین سازمان‌دهی ما بر اساس معادله‌ی "تجاوز - مقاومت" بود. یعنی ساختار ما به این شکل بود که می‌گفتیم در جنوب سه محور وجود دارد؛ سه نفر مسئول شوند:

جنگ در نسبت با واقعیت است. یعنی آن چیزی که در خرداد سال ۶۰ شروع شد. در واقع نسبت خانواده‌ی راویان با واقعیت جنگ تحمیلی است. مسئله‌ی دوم ما، خود تاریخ تاریخ‌نگاری است. یعنی مجموعه فعالیت‌هایی که خانواده‌ی راویان در خصوص جنگ ایران و عراق انجام داده‌اند و با توجه به چشم‌اندازهای آینده چه کارهای دیگری باید انجام دهند. مسئله‌ی سوم این است که جنگ تاریخی شده است؛ به این معنا که امروز دیگر چیزی به عنوان جبهه و توپ و تانک و فرمانده و قرارگاه وجود ندارد، حتی امروزه کسانی که به مناطق جنگی اعزام می‌شوند، زمین مسطحی را می‌بینند و به آن‌ها درباره‌ی ناهمواری‌های این زمین در زمان جنگ اطلاعاتی داده می‌شود. امروز چیزی به نام واقعیه‌ی جنگ تحمیلی میان ایران و عراق وجود ندارد؛ پس مسئله‌ی جنگ چه شده است؟ در واقع باید گفت جنگ از یک امر واقعی و عینی تبدیل شده است به یک مسئله‌ی ذهنی. جنگ از واقعیت تبدیل

دریابان علی شمخانی: دشمن ما امروز صدای توپ و تفنگ ندارد، این دشمن خطرناک‌تر از صدام است. بدون آمبولانس ما را تشییع جنازه می‌کنند. بدون شلیک تیر ما را می‌کشد. مسئله‌ی دشمن را جدی باید گرفت. به همین دلیل باید راویان جنگ، قدرت نرم تولید شده در زمان جنگ را در جامعه مطرح کنند و سکوت را در این زمینه بشکنند

شده است به مجموعه‌ی از خاطرات و متون. تاریخی شدن این متون به این معنا است که اگر برای ما در زمان تأسیس راوی‌گری در جنگ؛ مسئله‌ی اصلی واقعیه‌ی جنگ بود، امروز و در آینده مسئله‌ی ما امری تاریخی است. در مسئله‌ی اول که به تاریخ‌نگاری جنگ و مسئله‌ی سوم که تاریخی شدن جنگ است فکر می‌کنم، سه پرسش وجود دارد که باید به این پرسش‌ها پاسخ داد.

تاریخ‌نگاری در سپاه با چه ملاحظاتی انجام می‌شود؟
پرسش اول این است که اساساً تاریخ‌نگاری جنگ در



محمد درودیان (راوی مرکز، نویسنده و پژوهش‌گر)؛ تهران؛ ۱۳۹۱/۳/۹

خرمشهر - آبادان؛
سوسنگرد - اهواز؛
شوش - دزفول؛ چرا
که عراق از این سه
محور وارد خاک
ما شده است. پس
متجاوز از این سه
محور آمده و مقاومت
هم باید در این سه
محور انجام شود. ما
حدود هفتصد نوار با
همین رویکرد ضبط
کردیم که مثلاً پنج
ساعت آن با شهید
بهر روز مرادی بود که

به کیفیت کاری که این روزها در تاریخ‌نگاری جنگ صورت گرفته است نبود و طبیعی است به دست آمدن این میزان از کیفیت در تاریخ‌نگاری جنگ با گذشت زمان صورت گرفته است؛ اما عناصر اصلی تاریخ‌نگاری در تاریخ‌نگاری‌های صورت گرفته در زمان جنگ وجود داشت.

مراحل توسعه‌ی اولیه‌ی مرکز

در مورد توسعه‌ی اولیه‌ی مرکز باید تأکید کنم که جنگ از مقاومت اولیه خارج شده بود، اما ما کار تاریخ‌نگاری خود را با همان رویکرد اولیه انجام می‌دادیم. البته بعد از آن در عملیات‌های دیگر ساختار امر مستندنگاری عوض شد و به این شکل شد که مستندنگاری متناسب با عملیات انجام شود. یعنی یک نفر در کنار فرمانده، یک نفر در قرارگاه و ... حضور داشته باشد. طبیعی است در این فرایند رویکرد سیاسی - اجتماعی مادر مستندنگاری جنگ که بر مبنای مقاومت در مقابل تجاوز استوار بود، عوض شد و ساختار آن تبدیل به ساختاری عملیاتی گردید. نکته‌ی مهم در توسعه‌ی اولیه‌ی مرکز آن است

زمانی که خرمشهر آزاد شد با ایشان گفت‌وگو کرده و این نوارها را ضبط کردیم که اتفاقاً کار بسیار خوب و ارزشمندی هم بود.

نکته‌ی دیگری هم که وجود داشت این بود که وقتی وارد جنوب شدیم، چارچوبی تحلیلی برای کار خودمان در نظر گرفتیم که جنگ را به زمینه‌های تجاوز؛ مقاومت؛ تثبیت دشمن؛ عملیات‌های چریکی و ... تقسیم می‌کرد. این تحلیل، تحلیلی بود که متعلق به آقای شمخانی بود و همه هم پذیرفته بودند. این‌ها نکاتی بود که درباره‌ی تأسیس داشتیم.

ما با هر محور مقاومتی که وجود داشت جلسات دوره‌ی برگزار می‌کردیم. هر یک ماه یک‌بار در یکی از این محورها جلساتی می‌گذاشتیم، نکات را می‌گفتیم و نهایتاً آرام آرام روش اصلی تاریخ‌نگاری در جنگ شکل گرفت، اما مهم این بود که اندیشه‌ی در پشت این عمل وجود داشت و از ابتدا هم این پروسه با رویکرد تاریخ‌نگاری شروع شد و این‌گونه نبود که ملاحظات نظری و روشی در این کار وجود نداشته باشد. البته کاری که در آن زمان انجام می‌شد

و مشاهدات خود را نوشته‌اند و منتشر کرده‌اند. آثاری را مرکز منتشر نموده و در قالب اطلس، کتاب‌های تحلیلی، روزشمار و ... روشی را در تاریخ‌نگاری جنگ نهادینه کرده است. بنده معتقدم بیش‌ترین ظرفیت و توانمندی مرکز در همین تاریخ‌نگاری جنگ است. به نظرم اگر همین حوزه را پی‌گیری کنیم کافی است؛ اما به هر روی باید در روش تاریخ‌نگاری بیش‌تر کار شود؛ چرا که در این خصوص کار خاصی نکرده‌ایم. تنها کتابی که در روش قابل اعتنا است، همان کتاب تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری* است و ما چیز دیگری غیر از آن منتشر نکرده‌ایم. حال آن‌که بیش از هفتاد ساعت با افراد مختلفی در خصوص تاریخ‌نگاری جنگ گفت‌وگو شده است و اگر همین گفت‌وگوها را جمع‌آوری کنیم، متوجه می‌شویم که ظرفیت ما در تاریخ‌نگاری است و حتی می‌توان هدف نهایی‌مان را تدوین تاریخ‌جامعی از جنگ ایران و عراق قرار دهیم. ما نگاهی می‌خواهیم که مبتنی بر کلیات باشد؛ جزئیات ارزشمند است اما وقتی موجودیت پیدا می‌کند که کلیاتی وجود داشته باشد. مثلاً الآن برای ما چقدر مهم است که اسم گردان‌ها و لشکرهای شاه اسماعیل چه بوده است. این جزئیات چقدر برای ما مورد توجه است؟ به نظرم ما باید از این جزئیات عبور کنیم و به کلیات بپردازیم.

منظور از تاریخی شدن

ما در آن زمان خود واقعه را مورد اهمیت قرار می‌دادیم. به این معنی که من به فرمانده مراجعه می‌کردم و در کنار او منفعل از عمل او، به ثبت و ضبط وقایع می‌پرداختم، اگر جلسه‌ی برگزار می‌شد، ضبط می‌کردم، اگر فرماندهی صحبت می‌کرد ضبط می‌کردم و نهایتاً با پایان عملیات گزارش خود را می‌نوشتیم؛ یعنی همان‌طوری که یک فرمانده جنگ را اداره می‌کرد، ما نیز همان جنگ را ثبت و ضبط

که پایه‌های اصلی مرکز در آن زمان با گذاشتن روزشمار، تاریخ‌شمار، مجموعه‌ی تحلیلی عملیات‌ها و اطلس جنگ بود که همه‌ی این‌ها توسط آقای محمدزاده انجام شد و نقش ایشان در این خصوص غیر قابل انکار است.

فرق تاریخ‌نگاری جنگ در سپاه و ارتش

کسی به نام دکتر رادمنش در دانشگاه شهید بهشتی تاریخ درس می‌داد. ارتش ایشان را آورده بود برای تاریخ‌نگاری. ما در آن زمان از ایشان خواستیم تا با هم همکاری کنیم و نهایتاً به دلایلی این همکاری میسر نشد و آن‌ها هم کار خاصی انجام ندادند. کار تاریخ‌نگاری به این ترتیب که ثبت و ضبط تاریخ هم‌زمان با واقعه انجام گیرد، به عنوان کاری ممتاز و تاریخی در سپاه انجام شد. جریان‌های مختلفی در سپاه وجود داشت که می‌خواست بر انجام این کار اهتمام داشته باشد، اما به هر دلیلی که بود انجام آن میسر نمی‌شد.

محمد درودیان:

مرکز امروز از نظر اسناد بی‌نظیر است؛ راویانی وجود دارند که در کنار فرماندهان حضور داشته‌اند و مشاهدات خود را نوشته‌اند و منتشر کرده‌اند

بایدهای آینده چیست؟

بعد از سی سال تحقیقاتی که انجام داده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که برداشت اولیه‌ی ما از جنگ داشته‌ایم، چه به لحاظ مفهوم و چه به لحاظ روش، می‌توانست زندان فهم ما باشد برای امروز و آینده. یعنی ما باید این ظرفیت را در خود ایجاد کنیم که در برداشت‌ها و تفسیرهایی که به مسئله‌ی تاریخ‌نگاری جنگ داشته‌ایم، تجدیدنظر و مرور کنیم.

مرکز امروز از نظر اسناد بی‌نظیر است؛ راویانی وجود دارند که در کنار فرماندهان حضور داشته‌اند

* این کتاب توسط مرکز چاپ شده است.

پس ما هم به عنوان یک مرکز باید تغییر کنیم، مبانی و روش جدیدی را در نظر بگیریم و داده‌های جدیدی را تولید کنیم.

مسئله‌ی دوم، میزان آمادگی ارتش برای جنگ است. من دوره‌یی که از انقلاب تا اول حمله‌ی عراق در کشور وجود داشت را چندین بار در زمان‌های مختلف مطالعه کردم و کتاب‌هایی که توسط ارتش به چاپ رسیده است را اهتمام کرده و خوانده‌ام. تا قبل از وقوع جنگ یک سند در میان این اسناد ندیدم و در مطبوعات آن دوره هم حتی یک خبر را بررسی نکردم که در طی آن ارتش اعلام کرده باشد

برای حضور در جنگ آمادگی ندارد، حتی خبری دال بر این که ارتش به یکی از مسئولین گفته باشد آمادگی دفاع از کشور را ندارد. ادبیات فروپاشی قدرت دفاعی ایران را چه کسی تولید می‌کرد؟ صدام و غرب معتقد بودند ایران آسیب‌پذیر است و اگر مورد حمله قرار بگیرد، شکست می‌خورد. اما بعد از حمله و شکست عراق، ادبیات ارتش به این صورت شکل

گرفت که ارتش آماده‌ی دفاع از کشور نبوده است. بنابراین تقلیل نیرو دادیم، پادگان‌ها خالی شد و ... نهایتاً ارتش بعد از جنگ با عراق، ادبیاتی را تولید کرده است که با ادبیات عراق در قبل از حمله تلاقی دارد. در صورتی که خود حمله و شکست عراق نشان می‌دهد که آن ادبیات غلط بوده است.

نکته‌ی سوم، پیش‌بینی وقوع جنگ است. همه‌ی اسناد وقوع جنگ را در شهریور پیش‌بینی می‌کنند. قاطع‌ترین سندهای ارتش، وقوع جنگ را در ۲۰ شهریور پیش‌بینی کرده است. یعنی ارتش با وقوع جنگ، جنگ را پیش‌بینی کرد؛ چرا که وقتی جنگ در

می‌کردیم. امروز مسئله‌ی ما چیست؟ بررسی بخشی از اسناد به جا مانده از دوران جنگ و بررسی بخشی از حرف‌هایی که تازه برای اولین بار بعد از جنگ زده می‌شود؟ در واقع مسئله‌ی ما امروز این نیست که با جنگ به عنوان یک واقعه‌یی که دیروز اتفاق افتاده است، مواجه شویم؛ بلکه جنگ به دلیل اهمیتی که دارد به امری ذهنی تبدیل شده است و روز به روز هم بر آن اضافه می‌شود. در زمان جنگ به کسی خائن نمی‌گفتند، اما امروز به دلیل مسائل سیاسی می‌گویند فلان فرد در زمان جنگ خیانت کرده است. این مسائل در زمان جنگ اصلاً موضوع ما نبود اما امروز وضعیت ما نسبت به این موضوعات چگونه است؟ در واقع این مسائل فرایند تاریخی شدن یک مسئله است.

در فرایند تاریخی شدن سه موضوع بسیار مهم است و ما باید به آن بپردازیم: اولین مسئله آن است که در زمان جنگ تحمیلی، وقوع جنگ میان ایران و عراق بر اساس این نظریه تعبیر شد که انقلاب ایران صدام را تحریک کرد تا به ایران حمله کند. این نظریه از آن‌جا مطرح شد که به حمله‌ی صدام به کشورمان مشروعیت دهد. این نظریه بعداً تغییر کرد؛ چرا که بعد از جنگ با ایران، وقتی صدام به کویت حمله کرد، توسط سازمان ملل به عنوان متجاوز شناخته شد. آن‌ها بعد از جنگ صدام با کویت می‌خواستند مشروعیت جنگ با ایران را تبیین کنند، به همین دلیل مشروعیت آن را از این نظر تبیین کردند که صدام متجاوز است و به دلیل این متجاوز بودن به خاک ایران حمله کرده است. طبیعی است که داده‌های جدیدی مطرح شد و کتاب‌هایی در خصوص اسناد تجاوز صدام به خاک کشورمان توسط غربی‌ها منتشر شد. در واقع این نظریه‌ها بوده است که داده‌ها را تولید کرده و مفاهیم را ساخته است.

در روند تاریخی شدن جنگ، نظریاتی که در مورد علل وقوع آن وجود دارد مدام تغییر می‌کند.

محمد درودیان:

آثاری را مرکز منتشر نموده و در قالب اطلس، کتاب‌های تحلیلی، روزشمار و ... روشی را در تاریخ‌نگاری جنگ نهادینه کرده است

آنان در حفظ اسلام بررسی و تبیین شود.» در ادامه‌ی این جلسه، دریادار شمخانی نیز در خصوص اهمیت موضوع راویان سخنانی را در جمع آنان مطرح کرد. وی گفت:

راویان سرمایه‌های غنی از موضوعات جنگ تهیه کرده‌اند

«گردهمایی راویان جنگ کار بسیار ارزشمند و خوبی است که توسط آقای اردستانی انجام شده است. هر چند این کار با تأخیر انجام شده است.

راویان جنگ سرمایه‌ی غنی از موضوعات جنگ تهیه کرده‌اند. هر چند که متأسفانه باید اقرار کرد به دلایلی که خارج از اراده‌ی ما است در جامعه نسبت به موضوعات جنگ نوعی سکوت برقرار شده است. لذا این‌که از این سرمایه چگونه می‌توان استفاده کرد و گوش‌ها و چشم‌ها را باز کرد تا این سرمایه را ببینند و از آن استفاده کنند کار بسیار دشواری شده است؛ مخصوصاً در ارائه‌ی محصولات بدل آن‌قدر حیرت و سرگردانی به افرادی که به کتاب‌هایی در حوزه‌ی دفاع مقدس مراجعه می‌کنند، ایجاد شده و این مسئله به دشواری‌های سابق افزوده شده است. این مسئله دلایل متعددی دارد، چرا که وقتی شما از جنگ روایت می‌کنید، از یک نهاد روایت می‌کنید.

راه اندازی راویان جنگ

با آغاز جنگ گروهی به خوزستان آمدند به اسم گروه "چهل شاهد" و می‌خواستند فیلم تهیه کنند. ضمن این‌که فیلم‌های جنگ ویتنام را می‌دیدم متوجه شدم خبرنگارهایی حضور داشته‌اند و ثبت و ضبط کرده‌اند. به همین دلیل برای من جذابیت داشت که ما هم این کار را در زمان جنگ انجام بدهیم و این فیلم‌ها را به عنوان اسناد نگاه داریم. این مسئله مصادف شد با تماس آقای محمدزاده و نهایتاً با توسعه‌ی

تاریخ ۲۰ شهریور آغاز شد دیگر قطع نشد. پیش‌بینی یعنی چند ماه قبل از جنگ، آغاز آن پیش‌بینی شود. الان آقای صفوی می‌گویند ما پیش‌بینی کردیم، آقای شمخانی می‌گویند ما آغاز جنگ را پیش‌بینی کردیم، ارتش می‌گوید پیش‌بینی جنگ را ما انجام دادیم.

مقالاتی که نوشته نشده‌اند

اگر پیش‌بینی انجام گرفته است اسناد آن را نشان بدهیم تا بتوانیم بر اساس اسناد کار تحقیقاتی بیش‌تری انجام دهیم، چرا که احتمال جنگ مجدد وجود دارد. از سال ۷۴ تا کنون امریکا و اسرائیل مستمر گفته‌اند به ایران حمله می‌کنیم؛ اما به عدد انگشتان دو دست مقالاتی وجود ندارند که از تجربه‌ی جنگ با عراق استفاده کنیم تا در مقابل دشمن برای بار دوم غافل‌گیر نشویم. اگر از جنگی برای شرایط مشابه استفاده نکنیم، آن تجربه در تاریخ محصور شده است. اگر فلسفه‌ی وجودی این مرکز این بود که از تحریف جنگ جلوگیری کنیم، نباید فقط به جزئیات جنگ پردازیم، اگر در جنگ، دفاعی از ناحیه‌ی

محمد درودیان:

بنده معتقدم بیش‌ترین ظرفیت و توانمندی مرکز در همین تاریخ‌نگاری جنگ است. به نظرم اگر همین حوزه را پی‌گیری کنیم کافی است

کشور ما صورت نمی‌گرفت، سرنوشت جامعه‌ی ما عوض می‌شد. اگر شکست نظامی خورده بودیم باید کاغذ سفید برای صدام امضا می‌کردیم؛ طبیعی است که مقاومت‌هایی شده است و این مقاومت‌ها ارزش بسیاری دارد و باید به آن‌ها هم پرداخت، اما مسئله‌ی اصلی این است که حالا که جنگ در برخی موارد دچار تحریف می‌شود و خادمان آن نادیده گرفته می‌شوند، نقش و ارزش تاریخی مقاومت در جنگ و اهمیت آن در حفظ موجودیت این کشور و نقش

خوب بود و در اثر ممارست در این کار بهتر شد. فرماندهان احساس کردند این راویان در عین این که ضبط کننده‌ی خوبی است، همدم خوبی هم هست و این مسئله منجر به آن شد که این شجره‌ی طیبه شکل بگیرد و امروز هم محصولات خوبی داشته باشد. واقعیت این است محصولاتتی که راویان جنگ ارائه دادند، مشخص کرد واقعیت‌های جنگ چیست و سهم جنگ‌آوران اصلی هم در مدیریت جنگ توسط همین راویان مطرح شد.

کاهش تولیدات در حوزه‌ی دفاع مقدس

بعد از جنگ، فتر مطالعات جنگ در سپاه پاسداران از نظر کمی کم کار است. هر چه به پایان جنگ نزدیک‌تر شدیم تعداد عملیات‌های مان کاهش یافت؛ هر چه از جنگ فاصله گرفتیم تا مقطعی تولیدات مان رو به افزایش بود و از مقطعی به بعد تولیدات مان رو به کاهش رفت. رقیب خیلی فعال

است و روز به روز تولیدات متنوعی تولید می‌کند و توانسته این نگاه را در جامعه جا بیندازد که مظلوم واقع شده است و حق من این نبوده است. طبیعی است که این بسیار بد است.

باید از قدرت نرم راویان استفاده کرد

باید منطق ما، مثل سابق فضای تبلیغاتی جنگ را بپوشاند؛ لذا احساس می‌کنم در معادله‌ی نابرابر هستیم. دین پیامبر اسلام دین قدرت نرم است. کارخانه‌ی تولید قدرت نرم از آن ما است.

سازمان سپاه، سازمان راویان نیز توسعه یافت، چه از نظر جذب نیرو و چه از نظر امکانات ابزاری کوشیدیم راویان را تجهیز کنیم.

جنگ موضوع امنیتی داشت، دو سازمان در جنگ فعال بودند، هم ارتش و هم سپاه و تصمیم گیرنده به تنهایی سپاه نبود، بلکه ارتش نیز حضور داشت. مسئله‌ی راوی‌گری متأثر از روحیات افراد هم بود، مثلاً اگر کسی با کسی ارتباطی داشت او را وارد جمع می‌کرد. وقتی راویان جنگ این کار را شروع کردند، هم‌زمان واحد تبلیغات سپاه هم می‌خواست این کار را انجام دهد. این رقابت ادامه پیدا کرد تا حدود دو-سه سال مانده به پایان جنگ [که] دفتر نمایندگی ولی فقیه می‌خواست وارد این کار شود. [این که] در فضای اینچینی کار انجام شود و محصولی حدود ۳۲۰۰۰ نوار مستند فراهم شود، کار بسیار سختی است.

فرماندهان لشکرها انسان‌های متفاوتی بودند. در میان آن‌ها بنا بود و مهندس هم وجود داشت. در چنین فضایی سماجت خود بچه‌های راوی بسیار مؤثر بود. من ندیدم از میان راویان کسی بگوید چون با من به این شکل برخورد کردند من دیگر حضور نخواهم داشت. در واقع سماجت بچه‌های خود راوی و استقبال خیلی خوب بعضی از فرماندهان باعث شد [که] حدود ۳۳۰۰۰ نوار در مجموعه این مرکز وجود دارد. ولی مجموعاً باید تأکید کرد این کار، کار بسیار درستی بود، می‌توان گفت این کار، کار بیت‌المقدس بود. این که در کنار هر فرمانده یک ضبط صوت و یک فرد سمج و پی‌گیری هم وجود داشته باشد.

نکته‌ی دیگر این است که افرادی که در این رده آمدند، افراد عادی نبودند و کارکردشان هم مشخص بود. این سازمان می‌توانست از افراد عادی هم تشکیل شود، اما افرادی که در این مجموعه حضور داشتند افراد فهمیده و به روز بودند. قلم به دستی‌شان هم

دریابان علی شمخانی:

مجموعاً باید تأکید کرد این کار، کار بسیار درستی بود، می‌توان گفت این کار، کار بیت‌المقدس بود. این که در کنار هر فرمانده یک ضبط صوت و یک فرد سمج و پی‌گیر وجود داشته باشد



مراسم تجلیل از نویسندگان و مترجمان مرکز؛ تهران، ۱۳۹۱/۳/۹

خاصی قرار دادیم. مسئله‌ی دیگر این‌که در بعضی از تولیدات وزن افراد مؤثر در تولیدات را رقیق کردید. این برکت را زایل می‌کند.

دشمن ما امروز صدای توپ و تفنگ ندارد، این دشمن خطرناک‌تر از صدام است. بدون آمبولانس ما را تشییع جنازه می‌کنند و بدون شلیک تیر می‌کشد. مسئله‌ی دشمن را جدی باید گرفت. به همین دلیل باید راویان جنگ شما قدرت نرم تولید شده در زمان جنگ را در جامعه مطرح کنند و سکوت را در این زمینه بشکنند.

در پایان گردهمایی راویان هشت سال دفاع مقدس "مهدی انصاری" به‌عنوان مدیر نمونه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس معرفی شد و از نویسندگان و مترجمان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس همچون "مجید نداف"، "سعید سرمدی"، "مهدی خداوردی‌خان"، "محمد جولایی"، "گودرز نوروزی"، "محمدعلی خرمی"، "رضا صادقی"، "امیرحسین کیهان‌پناه"، "محمدحسین باتمان‌قلیچ"، "مهدی رستگار اصل"، "داود علمایی تویایی"، "حسین یکتا"، "غلامرضا فرشچی"، "دکتر سیدصدرالدین موسوی"، "احمد نخستین"، "مرضیه روشنعلی" و "حجر اردستانی" تجلیل به عمل آمد.

نهضت امام حسین^(ع) نهضت تولید قدرت نرم است و من از حرکت امام حسین^(ع) از مکه به مدینه تا به کوفه موارد متعددی از تولید قدرت نرم را می‌توانم مثال بزنم. انقلاب ما، مصداق پیروزی خون بر شمشیر است. یعنی پیروزی قدرت نرم بر قدرت سخت. چرا موجودی ما اکنون در مقابل تهاجم فرهنگی ضربه‌پذیر است؟ همین وضعیت برای راویان نیز وجود دارد. چرا نمی‌توانیم از قدرت نرم تولید شده در جنگ دفاع کنیم؟ این مسئله دشواری ما است. لذا بچه‌های تحقیقات جنگ نقش بسیار مهمی داشته‌اند و چون نسل‌تان هنوز زنده است باید چاره‌ی اندیشید. این مسئله هم فقط در تولید کمی نیست؛ هر چه تولید کنید مخاطب ویژه‌ی ندارید، چرا که ابزار بدلی خیلی در بازار وجود دارد که باعث می‌شود کار شما به چشم نیاید. باید کاری کنید که افراد تشخیص دهند تولیدات فاخر کدام است و تولیدات بدلی کدام.

ما در دوران تولید و چاپ محتوای جنگ دچار خطاهایی هم شدیم. در تولید نشریات نظر فرماندهی را هم در یک نشریه اعمال کردیم در حالی‌که این خلاف اصول حرفه‌ی است. ما به دلیل بعضی از علایقی که به بعضی از افراد پیدا کردیم چارچوب‌های گفتمان جنگ را مبتنی بر علایق